

دانلود نمونه سوالات امتحانی اصول 2 سطح 2

A

۸- عبارت «أن القطع لا يتميز عن الظن و الاحتمال في الاصل المنجزية، و أننا يتميز عنهما في عدم امکان تجریده عن تلك المنجزية» را توضیح داده، و علت استحاله ترخیص در قطع را بنویسید. ص ۲۱ س ۲۲

جواب: چون به نظر شهید (قدس سره) حق الطاعة مولى شامل هر تکلیفی می‌شود که منکشف شده باشد ولو بصورت احتمالی لذا منجزیه که همان حکم عقل است به لزوم امتثال اوامر مولى، منحصر به قطع نخواهد شد و ظن و احتمال هم به اعتبار انکشافی که دارند منجزیه خواهند داشت. و فرق آنها در این خواهد بود که منجزیه از قطع قابل انفکاک نیست ولی در ظن و احتمال قابل انفکاک هست.

اما ترخیص در قطع محال است چون اگر ترخیص واقعی باشد از طرفی به تکلیف واقعی هم قطع داریم پس لازم می‌آید اجتماع دو حکم متضاد و این محال است. و اگر ترخیص ظاهری باشد این هم محال است چون جعل ترخیص ظاهری در صورتی ممکن است که در حکم واقعی شک وجود داشته باشد و حال آنکه در اینجا قطع به تکلیف داریم.

۹- مراد از «أن الأصل عند الشك في حجة أماره هو عدم الحجية» را بیان کرده و دلیل بر این اصل را بنویسید. ص ۴۰ و ۴۱

جواب: یعنی وقتی در حجة آمارای شک واقع شود اصل بر این است که همان حالت منجزیه و یا معذرتی که قبل از قیام آماره نسبت به حکم واقعی وجود داشت به حال خود باقی است و این آماره چیزی را تغییر نمی‌دهد. دلیل: این آماره یا نفی تکلیف می‌کند و می‌خواهیم اثبات معذرتی کنیم، امکان ندارد تا مادامی که احرار حجت این آماره نشود و یا عدم اثبات حجة این آماره، حکم عقل به منجزیه در قبال تکلیف مشکوک به حال خود باقی است. و یا این آماره اثبات تکلیف می‌کند و می‌خواهیم با آن اثبات منجزیه کنیم و از اصل عقلی مثل اصاله الحل که شرعاً مقرر شده و معذرتی رفع ید کنیم، این هم امکان ندارد چون به وسیله آماره مشکوک نمی‌شود از اصل عقلی حجت رفع ید کرد. [آراء مختار کافی است].

۱۰- عبارت «أن نفس السبب الذي يوجب سقوط الدلالة المطابقة عن الحجية يوجب دائماً سقوط الدلالة الالتزامية، لأن ما تحكي عنه الدلالة الالتزامية دائماً حصّة خاصة من اللّازم لا طبعی اللّازم على الإطلاق» را در ضمن مثال شرح دهید. (ترجمه کافی نیست). ص ۲۵ س ۲

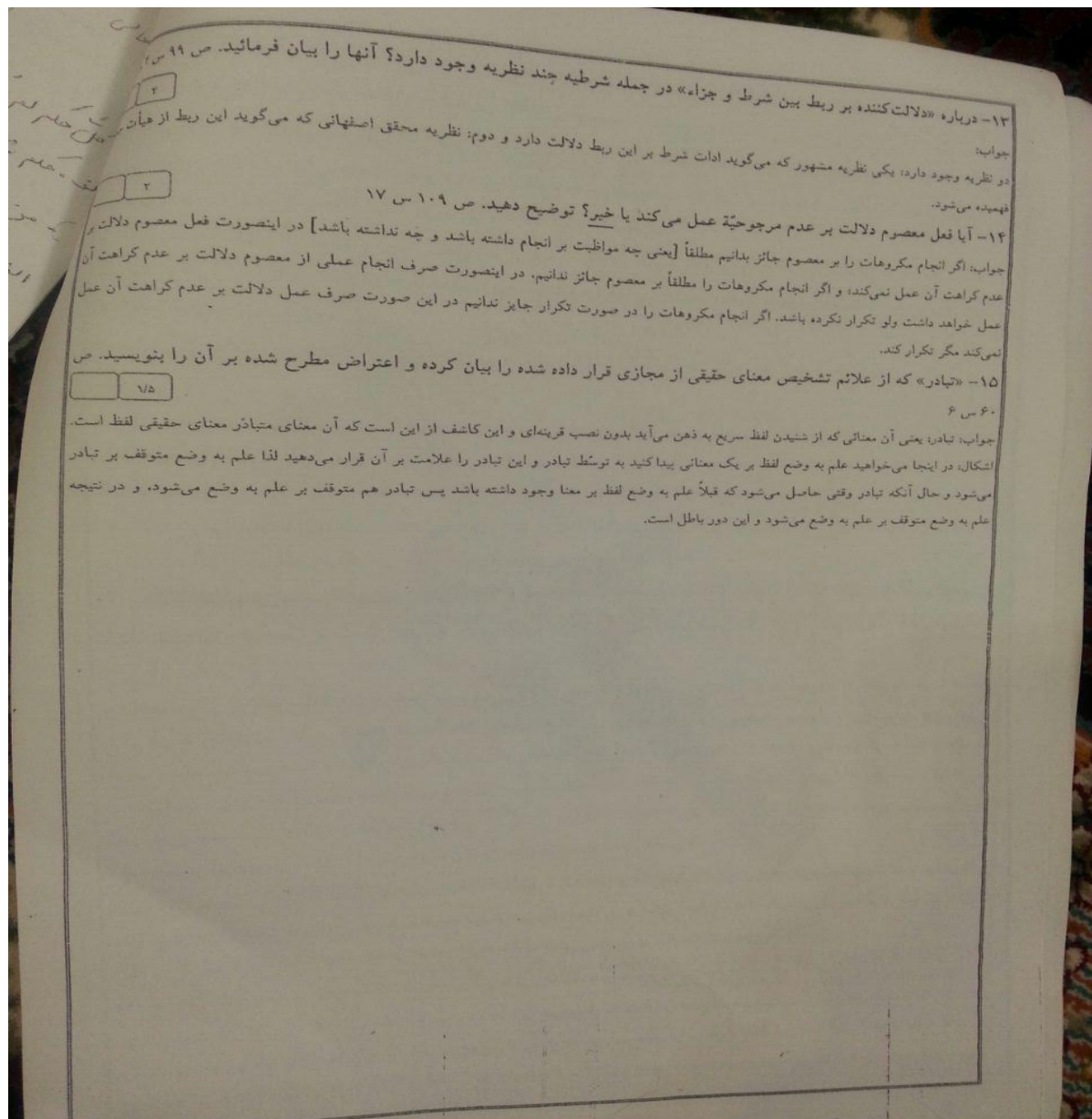
جواب: همان علّتی که باعث سقوط دلالت مطابقی از حجت می‌شود همیشه باعث سقوط دلالت التزامی خواهد شد مثلاً اگر علم پیدا کردیم که مدلول مطابقی خبر کسی که از احتراق زید بالمطابقه خبر داده باطل است و اصلاً احتراقی در کار نبوده، خود این علم هم باعث عدم ثبوت مدلول التزامی که موت زید باشد خواهد شد چون همیشه دلالت التزامی نشان دهنده بخش خاصی از لازم است و آن موت ناشی از احتراق است یعنی گرچه ذات لازم که موت است اعم است ولی این لازم اعم به تمام حصه‌های خود مورد خبر اخبار دهنده نیست بلکه لازمه خبر او فقط موت ناشی از احتراق است و لذا علم ما به بطلان احتراق حتماً لازم دارد بطلان موت ناشی از احتراق را.

۱۱- «إطلاق أفرادی» و «إطلاق أحوالی» را در ضمن مثال بیان نمایند. ص ۸۴ س ۸

جواب: مراد از اطلاق افرادی این است که معنای لفظ دارای افراد است مثل طبیعت عالم در «اکرم العالم» که افرادی دارد و ما بوسیله قرینه حکمت ثابت می‌کنیم که اینطور نیست که از آن طبیعت بعضی افراد اراده شود بلکه همه افراد موضوع حکم است. ولی در اطلاق احوالی به حالات گوناگون آن معنا نظر می‌شود مثلاً مدلول کلمه «زید» در «اکرم زیداً» گرچه افراد ندارد ولی حالتهای دارد که با قرینه حکمت ثابت می‌شود زید در تمام حالات موضوع حکم است.

۱۲- دو نظر مطرح شده در نحوه دلالت «أل» در مثل «اکرم العلماء» بر عموم را توضیح دهید. ص ۹۴ س ۶

جواب: یک نظر قائل است به اینکه «أل» داخل بر جمع وضع شده بر عموم و لذا دلالت آن بر عموم بالوضع است. نظر دیگر قائل است «أل» فقط وضع بر تعیین مدخول خودش شده و در اینجا لازمه این لام و مدخولش این است که چون در جمیع مراتب مورد لحاظ این جمع تعیین کننده‌ای وجود ندارد لذا در مرتبه اخیر پس این قدر متیقن است که به آن أخذ کنیم لذا عموم در مثل «العلماء» لازمه وضع «أل» بر تعیین خواهد شد.



۹۳- درباره «دلالت کننده بر ربط بین شرط و جزاء» در جمله شرطیه چند نظریه وجود دارد؟ آنها را بیان فرمائید. ص ۹۹

جواب: دو نظریه وجود دارد: یکی نظریه مشهور که می گوید ادات شرط بر این ربط دلالت دارد و دوم: نظریه محقق اصفهانی که می گوید این ربط از هیأت فهمیده می شود.

۹۴- آیا فعل معصوم دلالت بر عدم مرجوحیة عمل می کند یا خیر؟ توضیح دهید. ص ۱۰۹ و ۱۷

جواب: اگر انجام مکروهات را بر معصوم جائز بدانیم مطلقاً [یعنی چه مواظبت بر انجام داشته باشد و چه نداشته باشد] در اینصورت فعل معصوم دلالت بر عدم کراهت آن عمل نمی کند و اگر انجام مکروهات را مطلقاً بر معصوم جائز ندانیم، در اینصورت صرف انجام عملی از معصوم دلالت بر عدم کراهت آن عمل خواهد داشت ولو تکرار نکرده باشد. اگر انجام مکروهات را در صورت تکرار جائز ندانیم در این صورت صرف عمل دلالت بر عدم کراهت آن عمل نمی کند مگر تکرار کند.

۱۵- «تبادر» که از علائم تشخیص معنای حقیقی از مجازی قرار داده شده را بیان کرده و اعتراض مطرح شده بر آن را بنویسید. ص ۶۰

جواب: تبادر یعنی آن معنایی که از شنیدن لفظ سریع به ذهن می آید بدون نصب قرینهای و این کاشف از این است که آن معنای متبادر معنای حقیقی لفظ است. اشکال: در اینجا می خواهید علم به وضع لفظ بر یک معنای پیدا کنید به توسط تبادر و این تبادر را علامت بر آن قرار می دهید لذا علم به وضع متوقف بر تبادر می شود و حال آنکه تبادر وقتی حاصل می شود که قبلاً علم به وضع لفظ بر معنا وجود داشته باشد پس تبادر هم متوقف بر علم به وضع می شود. و در نتیجه علم به وضع متوقف بر علم به وضع می شود و این دور باطل است.

امتحانات متمرکز عمومی (سطح ۲)

شماره سوال: ۱۱-۱۲
تاریخ: ۲۰۱۳
مکان: تهران

ردیف	نام و نام خانوادگی	تاریخ	محل
۱	نام و نام خانوادگی	تاریخ	محل
۲	نام و نام خانوادگی	تاریخ	محل
۳	نام و نام خانوادگی	تاریخ	محل
۴	نام و نام خانوادگی	تاریخ	محل
۵	نام و نام خانوادگی	تاریخ	محل

۱۳۹۳/۱۴	۱۳۹۳/۱۴	۱۳۹۳/۱۴
۱۳۹۳/۱۴	۱۳۹۳/۱۴	۱۳۹۳/۱۴
۱۳۹۳/۱۴	۱۳۹۳/۱۴	۱۳۹۳/۱۴
۱۳۹۳/۱۴	۱۳۹۳/۱۴	۱۳۹۳/۱۴
۱۳۹۳/۱۴	۱۳۹۳/۱۴	۱۳۹۳/۱۴

نام و نام خانوادگی: شماره سوال: تاریخ: محل:

- تفاوت اساسی بین «حکم ظاهری» و «حکم واقعی» در چیست؟ ص ۱۲ تا ۱۴
 - الف. کاشفیت قلمی از واقع ☐
 - ب. توجه به افراد خارجی خاص ☐
 - ج. افاده ظن فعلی دائمی یا غالبی ☐
 - د. فرض شک در حکم شرعی سابق ☒
- «عنصر مشترک» در جمیع عملیات‌های استنباط حکم شرعی کدام است؟ ص ۱۷
 - الف. احالة اشتغال الذمه ☐
 - ب. حجیت قطع ☒
 - ج. حجیت ادله محرزه ☐
 - د. حجیت اصول عملیه ☐
- بنا بر اینکه موضوع حق الطاعة «تکلیف منکشف» یا «مجرد انکشاف» باشد، حکم متجری کدام است؟ ص ۲۴
 - الف. يستحق العقاب على الثاني دون الاول ☒
 - ب. يستحق العقاب على الاول دون الثاني ☐
 - ج. لا يستحق العقاب على كلا الميئين ☐
 - د. يستحق العقاب على كلا الميئين ☐
- وضع «هیات امر» بر طلب مربوط به کدام یک از اقسام وضع می‌باشد؟ ص ۵۷
 - الف. وضع عام - موضوع له عام ☐
 - ب. وضع عام - موضوع له خاص ☒
 - ج. وضع خاص - موضوع له عام ☐
 - د. وضع خاص - موضوع له خاص ☐
- قاعده «احترازیت قیود» مبتنی بر کدام ظهور است؟ ص ۷۸ و ۸۲
 - الف. بعض ما یریده المتکلم لا یقوله ☐
 - ب. کل ما لا یقوله المتکلم لا یریده ☐
 - ج. کل ما یقوله المتکلم یریده ☒
 - د. کل ما یریده المتکلم یقوله ☐
- تقابل بین اطلاق و تقیید اثباتی چه نوع تقابلی است؟ ص ۸۷
 - الف. ملکه و عدم ملکه ☒
 - ب. تضاد ☐
 - ج. تناقض ☐
 - د. تضایف ☐
- «علم اجمالی» را به همراه مثالی تعریف کرده و بنویسید که چرا عقلاً ترخیص در تمام اطراف علم اجمالی امکان دارد؟ ص ۲۵-۲۰ نمره ۲

جواب:

قطع (و علم) گامی تعلق می‌گیرد به دو شیء (یا بیشتر) به صورت غیر معین مثلاً علم دارد به نجاست یکی از دو ظرف ولی نمی‌داند که مشخصاً کدام ظرف نجس است. به نظر شهید صدر ^{ره} چنین ترخیصی امکان دارد زیرا با توجه به اینکه (اولاً) شک در همه اطراف علم اجمالی (یک به یک) موجود است و (ثانیاً) ترخیص ظاهری هم در حالت شک ممکن است؛ شارع می‌تواند درباره همه اطراف علم اجمالی، ترخیص ظاهری صادر کند و [این منافاتی با منجزیت علم و عدم تعلیق این منجزیت ندارد] چون آن عدم تعلیق قطع، مربوط به علم تفصیلی است و منجزیت علم اجمالی معلق به عدم ترخیص از جانب شارع است.

۸- قطع «موضوعی» و «طریقی» را همراه مثال توضیح داده، قطع نسبت به «جواز اسناد حکم شرعی به مولی» از کدام قسم است؟

۲۶ و ۲۷ - ۲ نمره

جواب: قطع طریقی فقط طریق برای کشف حکم می‌باشد و در موضوع حکم اخذ نشده در نتیجه در تحقق حکم دخیل نیست ولی قطع موضوعی آن است موضوع حکم اخذ شده و لذا در تحقق حکم دخیل است. مانند اینکه شارع حکم می‌کند خمر حرام است و هنگامی که مکلف به این حکم قطع پیدا کند برای او متجز می‌شود به این قطع طریقی می‌گویند و گاهی شارع حکم می‌کند به اینکه آنچه که به خمریت آن قطع پیدا کردی حرام است در این صورت قطع موضوعی است. (۱/۵ نمره) [قطع به حکم شرعی در موضوع حکم جواز اسناد اخذ شده پس] قطع موضوعی به شمار می‌آید. (۰/۵ نمره)

۹- مراد از «مدلول تصدیقی اول» و «مدلول تصدیقی ثانی» چیست؟ و توضیح دهید «اصالة الجهة» مربوط به کدام یک از مدالیل است؟

۵۱ و ۵۲ - ۱۰۵ - ۲ نمره

جواب: مدلول تصدیقی اول معنایی است که متکلم قصد تفهیم و الفاء آن به ذهن مخاطب را دارد. اما مدلول تصدیقی ثانی معنایی است که مراد جدی متکلم است. (۱ نمره) اصالة الجهة همان ظهور تطابق بین دلالت تصدیقی اول و ثانی است. یعنی هر آنچه که از مدلول کلام به ذهن مخاطب خطور می‌کند مراد جدی متکلم است. (۱ نمره)

۱۰- اشکال مطرح در عبارت «و قد يعترض على ذلك بأن تبادر المعنى الحقيقي من اللفظ يتوقف على علم الشخص بالوضع فإذا توقف علمه بالوضع على هذه العلامة لزم الدور» را بیان کرده، جواب شهید صدر رحمته الله را بنویسید. ص ۶۰ - ۲ نمره

جواب: تبادر متوقف است به علم به وضع و علم به وضع متوقف است به تبادر و این دور است. (۱ نمره) جواب شهید صدر رحمته الله: تبادر متوقف بر علم به وضع نیست بلکه متوقف بر وضع است. [وضع: وجود عملیات قرن اکید بین تصور لفظ و تصور معنا در ذهن] به همین دلیل است که کودک شیرخوار بدون اینکه علم به وضع داشته باشد هنگام تصور مادر لفظ مامان را تلفظ می‌کند و این قرن اکید محقق می‌شود اگر چه علم به وضع ندارد. (۱ نمره) [رساندن مفهوم کفایت می‌کند.]

۱۱- تفاوت «جمله تامه» و «جمله ناقصه» را بنا بر مسلک تعهد تبیین کرده، نقد شهید صدر رحمته الله بر آن را بنویسید. ص ۶۸ و ۶۹

جواب:

جمله تامه وضع شده است برای قصد حکایت و اخبار از ثبوت محمول برای موضوع و جمله ناقصه وضع شده است برای اخطار صورت حصه خاص از موضوع (۱ نمره) نقد شهید صدر رحمته الله: موضوع له مدلول تصدیقی نیست بلکه مدلول تصویری است و مدلول تصویری برای هیئت نسبت می‌باشد پس باید فرق را بین دو نسبت جستجو کرد. (۱ نمره)

۱۲- مراد از «قرینه حکمت» و اشکال مطرح در عبارت «و قد يعترض على قرينة الحكمة بان اللفظ اذا لم يكن يدل بالوضع الا على الطبيعة المحفوظة في ضمن المقيد والمطلق معا فلا دال على الاطلاق كما لا دال على التقييد» را تبیین کنید. ص ۸۱ و ۸۲ - ۲ نمره

جواب:

قرینه حکمت: از ظهور عرفی سباقی به دست می‌آید که متکلم در مقام بیان تمام مراد جدیش می‌باشد و اگر چیزی را نگوید، آن را اراده نکرده است. (۰/۷۵ نمره) اشکالی که به قرینه حکمت شده این است که در صورتی که [طبیق ادعای شما] لفظ مطلق به سبب وضع تنها بر طبیعتی دلالت کند که هم در ضمن مقید موجود است و هم در ضمن مطلق؛ در آن صورت لفظ مطلق در کلام مولی، بر هیچ یک از اطلاق و تقييد دلالت ندارد در حالی که یقیناً یکی از این دو، مراد جدی مولی است ولی چیزی که تعیین کننده یکی از دو احتمال - یعنی اطلاق یا تقييد - باشد در دست نیست در حالی که شما می‌خواستید با کمک قرینه حکمت، مراد جدی مولی را پس از استعمال لفظ مطلق کشف نمایید. (۱/۲۵ نمره) [رساندن مفهوم جواب کفایت می‌کند.]

۱۳- دو منشأ برای انصراف را ذکر کرده و بنویسید کدام یک مانع از تمسک به اطلاق است؟ ص ۸۸ - ۱ نمره

جواب: منشأ اول: غلبه در وجود [و کثرت وجود] منشأ دوم: غلبه در استعمال [و کثرت استعمال] (۰/۵ نمره)

اگر کثرت استعمال موجب نقل لفظ شود یا موجب ارتباط و مقارنت بین لفظ و حصه شود و مانند یک قرینه عمل کند، نمی‌توان به اطلاق تمسک کرد. (۰/۵ نمره)

۱۴- «الشرط المسوق لتحقيق الموضوع» را به همراه مثالی توضیح داده، حکم آن را از حیث مفهوم تبیین کنید. ص ۹۹ و ۱۰۰ - ۲ نمره

جواب:

شرطی است که محقق و به وجود آورنده موضوع حکم است نه مقایر موضوع حکم و از حالات موضوع. مثل اینکه گفته شود: «إذا رزقت ولداً فاختنه» (اگر فرزندی به تو داده شد، او را ختنه کن) که فرزند داشتن موضوع ختنه است نه از حالات موضوع. (۱/۵ نمره) در چنین جمله شرطیه‌ای اگر شرط منتفی شود، موضوع باقی نمی‌ماند تا حکم منتفی شود، بلکه حکم سالبه به انتفاء موضوع می‌شود. (۰/۵ نمره)

۱۵- با یک دلیل عقلی یا ظاهر حال نحوه دلالت «سکوت و تقریر معصوم» بر حکم شرعی را تبیین کنید. ص ۱۱۱ - ۲ نمره

جواب: بیان عقلی: از آنجا که معصوم خودش نیز مکلف است، پس اگر فعل دیگران مرضی خداوند و شرع نباشد، به حکم عقل معصوم باید یا نهی از منکر کند (بیان اول) یا فاعل جاهل را تعلیم کند (بیان دوم) و یا اگر فعل فاعل موجب نقض غرض شارع می‌شود، باید در مقابل آن اعلام موضع نماید (بیان سوم) [یکی از سه بیان کافی است] بیان ظاهر حال: ظاهر حال معصوم رحمته الله که منبع شریعت و مستوفی جلوتر از آنجمله جالبه می‌باشد این است که اگر عقلی در منظر معصوم ستر می‌زند و گمراهی است، از آن فعل جلوگیری کند، پس سکوت او کاشف از این است که فعل انجام شده خلاف شرع نمی‌باشد. [یک دلیل کافی است.]

۱۴- با یک دلیل (عقلی یا ظاهر حال) نحوه دلالت «سکوت و تقریر معصوم» بر حکم شرعی را تبیین کنید. ص ۱۱۱

۲

جواب:

بیان عقلی: از آنجا که معصوم خودش نیز مکلف است، پس اگر فعل دیگران مرضی خداوند و شرع نباشد، به حکم عقل معصوم باید: یا نهی از منکر کند (بیان اول) یا فاعل جاهل را تعلیم کند (بیان دوم) و یا اگر فعل فاعل موجب نقض غرض شارع می شود، باید در مقابل آن اعلام موضع نماید (بیان سوم) [یکی از سه بیان کافی است]. بیان ظاهر حال: ظاهر حال معصوم (ع) که منبع شریعت و مسئول جلوگیری از انحراف جامعه می باشد، این است که اگر فعلی در منظر معصوم سر می زند و گمراهی است، از آن فعل جلوگیری کند، پس سکوت او کاشف از این است که فعل انجام شده، خلاف شرع نمی باشد. [یک دلیل کافی است].

۱۵- اشکال مطرح در عبارت «وقد يعترض على ذلك بأن تبادل المعنى الحقيقي من اللفظ يتوقف على علم الشخص بالوضع فإذا

۲

توقف علمه بالوضع على هذه العلامة لزم الدور» را بیان کرده، جواب شهید صدر (ره) را بنویسید. ص ۶۰

جواب: تبادل متوقف است بر علم به وضع و علم به وضع متوقف است بر تبادل و این دور است. (۱) نمره، جواب شهید صدر (ره): تبادل متوقف بر علم به وضع نیست بلکه متوقف بر وضع است. [وضع: وجود عملیات قرن اکید بین تصور لفظ و تصور معنا در ذهن] به همین دلیل است که کودک شیرخوار بدون اینکه علم به وضع داشته باشد هنگام تصور ما در لفظ مامان را تلفظ می کند و این قرن اکید محقق می شود اگر چه علم به وضع ندارد. (۱) نمره [رساندن مفهوم کفایت می کند].

A

۱/۵

۷- «مبادی حکم تکلیفی» را بیان کرده، هر یک را توضیح دهید. ص ۹

جواب: ملاک و اراده [در مرحله نبوتی حکم] را مبادی حکم می‌گویند (۵/۰ نمره) ملاک: فعل (تکلیف) دارای مصلحتی است که آن را ملاک می‌گویند. (۵/۰ نمره) اراده: وقتی مولا مصلحت موجود در فعل [که به درجه خاصی رسیده باشد] را درک کند آن فعل را از مکلف اراده و طلب می‌کند. (۵/۰ نمره)

۸- «علم اجمالی» را به همراه مثالی تعریف کرده و بنویسید که چرا ترخیص در تمام اطراف علم اجمالی امکان دارد؟ ص ۲۵

۲

جواب:

قطع (و علم) گاهی تعلق می‌گیرد به دو شیء (یا بیشتر) به صورت غیر معین مثلاً علم دارد به نجاست یکی از دو ظرف ولی نمی‌داند که مشخصاً کدام ظرف نجس است. به نظر شهید صدر (ره) چنین ترخیصی امکان دارد زیرا یا توجه به اینکه (اولاً) شک، در همه اطراف علم اجمالی (یک به یک) موجود است و (ثانیاً) ترخیص ظاهری هم در حالت شک ممکن است؛ شارع می‌تواند درباره همه اطراف علم اجمالی، ترخیص ظاهری صادر کند و این منافاتی با منجزیت علم و عدم تعلیق این منجزیت ندارد؛ چون آن عدم تعلیق قطع، مربوط به علم تفصیلی است و منجزیت علم اجمالی معلق به عدم ترخیص از جانب شارع است.

۹- دلیل حکم «إذا شککنا فی حجية أمانة نافية للتكليف أو أمانة مثبتة للتكليف، فالاصل عدم الحجية» را بنویسید. ص ۴۰

۳

جواب:

اگر شک در حجیت اماره‌ای داشته باشیم که نافی تکلیف است، نمی‌توانیم به آن أخذ کنیم زیرا این اماره می‌خواهد مجوزی برای ترک تکلیف احتمالی باشد که منجزیت آن به حکم عقل ثابت است [بنا بر مسلک حق الطاعة]. پس تا اذن قطعی از طرف شارع ثابت نشود، نمی‌توان تکلیف معلوم را ترک کرد و اگر شک در حجیت اماره‌ای داشته باشیم که مثبت تکلیف است، باز هم نمی‌توان به سبب این دلیل مشکوک الحجیه، از دلیلی که معذور تکلیف است [مانند اصالة الحال] دست برداشت زیرا دلیل معذور، هرگونه تکلیف مشکوکی را نفی می‌کند، پس تا دلیلی که حجیت آن احراز نشده برخلاف آن ثابت نشود، آن اصل معذور، حجیت است.

۳

۱۰- مسلک «تعهد» در وضع را توضیح داده، دو فرق آن را با مسلک اعتبار بنویسید. ص ۵۳

جواب: مسلک تعهد در وضع، وضع اعتبار نیست بلکه تعهدی از جانب واضع است مبنی بر اینکه لفظ را استعمال نمی‌کند مگر اینکه قصد تفهیم معنی را داشته باشد و بدین ترتیب ملازمه‌ای ایجاد می‌شود بین استعمال لفظ و تفهیم معنی. فرق اول: در مسلک تعهد وضع سبب است برای دلالت تصدیقی که مستنبط دلالت تصویری نیز می‌باشد ولی بر مبنای مسلک اعتبار وضع، فقط سبب دلالت تصویری است. فرق دوم: بنا بر مسلک تعهد هر متکلمی باید واضع و متعهد باشد ولی بر مبنای مسلک اعتبار می‌توان به یک واضع اکتفاء کرد و نیاز به تکرار عملیات وضع نیست.

۱۱- نظر مرحوم نائینی (ره) در «ایجاد بودن معنای حرقی» را توضیح داده، شهید صدر (ره) چه اشکالی به این نظریه وارد می‌نماید؟

۲

ص ۶۶ س ۹

جواب: مرحوم آیه الله نائینی (ره) فرمود: حرف، «معنای ایجاد» دارد، یعنی: قبل از این استعمال، معنایی از حرف، در ذهن موجود نبوده، تا این استعمال از آن حکایت نماید، بلکه حرف، معنای خود را که همان ربط کلامی است هنگام تکلم بوجود می‌آورد. (۱ نمره) اشکال شهید (ره): نادرستی این معنای ایجاد (به شکل مذکور)، خیلی روشن است؛ چون حرف هم باید قبل از هر استعمال، صورتی در ذهن داشته باشد، تا بتواند بر آن دلالت کند، لذا می‌توان به وسیله آن در کلام ربط ایجاد کرد؛ یعنی: قبل از آنکه به وسیله حرف، ربط جمله، ایجاد شود، یک صورت ذهنی دارد، که این استعمال از آن حکایت می‌نماید. (۱ نمره)

۱/۵

۱۲- آیا «ماده امر» مرادف با لفظ «طلب» است؟ چرا؟ ص ۷۱ س ۱۲ - آیا «ماده امر» مرادف با لفظ «طلب» است؟

جواب: خیر. (۵/۰ نمره) زیرا لفظ طلب بواسطه مفهومش بر طلب تکوینی مانند طلب نمودن آب توسط انسان تشنه و بر طلب تشریعی (چه از عالی صادر شده باشد و چه از سافل) دلالت می‌کند در حالی که امر تنها بر طلب تشریعی که از عالی صادر شده دلالت دارد، پس مدلول ماده امر آغوش از مدلول لفظ طلب است. (۱ نمره)